

تصمیمات محاکم

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد تبعیض در تعلیق مجازات

داده است :

چون مستفاد از ظاهر ماده ۴۷ قانون مجازات عمومی این است که در صورت وجود موجبات تعلیق اجرای تمام مجازات مورد حکم تعلیق میشود و با احراز موجبات تعلیق در نظر محکمه تبعیض در این امر (اجراء قسمتی از مجازات و تعلیق قسمت دیگر آن مخالف ظاهر ماده مزبور خواهد بود و نظر باینکه در این مورد محکمه جنحه ۰۰۰۰ با احتساب مدت توقیف موقت محکوم نلیه (که مطابق نامه شماره ۱۷۳۴ پارکه بدایت ۰۰۰ با اداره شهر بانی بندر گز بایگانی در پرونده کار یک ماه بوده) فقط سه ماه از پنج ماه بقیه مجازات محکوم علیه را مورد حکم تعلیق قرار داده و بالتبعیجه دو ماه از پنج ماه مزبور قابل اجراء تشخیص گردیده بنابراین حکم مزبور از این جهت مخالف ماده فوق الذکر محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی با اتفاق آراء نقض میشود و چون این نقض بقضای مدعی العموم کل و برای حفظ قانون است طبق شق ۵ از ماده ۴۵۸ اصول مزبوره بالا رجوع خواهد بود) .

بموجب ماده ۴۷ قانون مجازات عمومی - محکمه جنحه میتواند نظر باحلاق و احوال مجرمی که بواسطه ارتکاب جنحه محکوم بحبس شده در صورتی که سابقاً محکومیت جنحه یا جنائی نداشته باشد اجراء مجازات را نسبت باو مطلق بدارد .

محکمه جنحه متهم بدو فقره سرقت را بدو مرتبه شش ماه حبس تأدیبی محکوم کرده و ضمناً با استناد ماده ۴۷ قانون مجازات اجراء سه ماه از مجازات مقرر را تعلیق کرده بسه ماه آنرا قابل اجراء مقرر داشته و حکم مزبور نسبت بطرفین دعوی قطعی شده است .

مدعی العموم دیوان عالی تمیز باین استدلال تمیز خواسته (نظر باینکه حکم محکمه جنحه از لحاظ تبعیض در تعلیق مخالف ظاهر ماده ۴۷ قانون مجازات عمومی بشمار میرود بنابراین طبق ماده ۴۶۴ و ۴۶۵ اصول اصلاح شده محاکمات جزائی برای حفظ قانون تقاضای رسیدگی تمیزی و نقض حکم میشود) .

دیوان عالی تمیز شبیه (۲) در حکم شماره ۱۲۰۲ ر ۹۷۹۶ مورخ ۱۶۶۲ پس از رسیدگی چنین رأی

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد بی اثر دانستن التزام و تمهدی که در هرکت نامه

غیر رسمی ذکر شده باشد

به مبلغی بابت تخلف از آن قرارداد در محکمه بدایت اقامه دعوی کرده - حلاصه قرارداد آنکه مدعی علیه در قرارداد هائی که با وزارت طرق بسته مدعی را با خود شریک نموده و از جمله مواد آن اینکه منافع باید میان آنها شتر کافومت

بموجب ماده ۴۷ و ۴۸ قانون ثبت اسناد - شرکته نامه که در دفتر اسناد رسمی ثبت نشده باشد در محاکم قابل ترتیب اثر نخواهد بود .
کسی با استناد قرارداد شرکته بر کسی دیگر مدعی

شود و در قراردادهای بعد هم که با وزارت طرف بسته میشود هر دو شریک خواهند بود و هر گاه یکی از دو شریک قراردادی با وزارت طرف بست و شریک دیگر را دخالت نه ادسی ۱۵ از مبلغ قرارداد را بشریک دیگر دادنی باشد و هر گاه مدعی علیه در محل شخصاً برای انجام وظیفه حاضر نباشد و مدعی حاضر باشد از قرار ماهی ۳ هزار ریال حقوق بمدعی داده شود - مدعی علیه بعنوان آنکه شرکت نامه چون در دفتر رسمی ثبت نشده قابل ترتیب اثر نیست دفاع کرده محکمه این دفاع را پذیرفته و مدعی را در مطالبه منافع شرکت بلحاظ مذکور محکوم به بیحقی کرده و در قسمت مطالبه حقوق ماهیانه از لحاظ آنکه دلیلی از طرف مدعی بر انجام عمل طبق قرارداد اقامه نشده نیز محکوم به بیحقی نموده است و در قسمت صدی ۱۵ بابت قراردادی که مدعی علیه با وزارت طرف بنهایی بسته و مدعی را شریک قرار داده چون ورقه مزبور در این قسمت قابل قبول بوده و طبق تصدیق وزارت طرف قراردادی میان مدعی علیه با وزارت طرف بسته شده که بمدعی در آن دخالت داده نشده و بر حسب التزامی که مدعی علیه در ورقه مدرکی داده محکوم به پرداخت مبلغ ۵۰۰۰۰۰ در وجه مدعی میباشد - هر دو در قسمت محکومیت خود استیناف داده - محکمه استیناف در قسمت استیناف مدعی حکم ابتدائی را تأیید کرده - و در قسمت استیناف مدعی علیه پس از رسیدگی چنین رأی داده (اما در قسمت مورد استیناف مدعی علیه با اینکه ۱۷ ورقه قبض در محکمه آورده و بموجب مفاد عده از قبوض مزبور مدعی شده بوده که مدعی را در موضوع قرارداد بعدی خود دخالت داده و مدعی اغلب آنها را انکار و نسبت بانها مدعی جعل شده و بجهت مزبور فوق پذیرفته نشده بوده چون ز جمله اعتراضات مستأنف این بوده که محکمه بدایت با اینکه ورقه مدرکیه را شرکتنامه دانسته و مطابق ماده ۴۷ و ۴۸ قانون ثبت آنها را قابل توجه ندانسته معذالك نسبت بالتزام مورد دعوی مؤثر دانسته - محکمه همین اعتراض را با صرف نظر از اعتراضات دیگر وارد دانسته زیرا بر حسب مستفاد از شرکت نامه التزام بتأدیه صدی ۱۵ از

موضوع قرارداد با وزارت طرف در صورت دخالت ندادن شریک دیگر منوط به تحقق شرکت آنهاست در موضوع قراردادهای مذکوره در آن ورقه نه تمهد و التزام مستقل و غیر مربوط بشرکت و بنا بر این با قابل استناد نبودن ورقه در محکمه از حیث حکایت آن از وقوع شرکت بین طرفین بر حسب مواد مزبوره فوق و بعبارت اخیری عدم تحقق شرکت طرفین در محکمه ترتیب اثر دادن بورقه مزبوره از حیث تمهد بوجه التزام منوط و متفرع بر شرکت - صحیح نیست و از این جهت حکم بدایت را که مبنی بر تفکیک عنوان شرکت از وجه التزام صادر گردیده فسخ و دعوی مدعی را راجع بوجه التزام نیز ثابت ندانسته است) - محکوم علیه از حکم مزبور تمیز داده - دیوان عالی تمیز شعبه (۱) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۳۴۳۲/۱۹۲۸/۱۶۸۲۳ چنین رأی داده است:

در رأی محکمه استیناف در قسمت مطالبه منافع شرکت و حقوق یکساله که مورد استیناف مستدعی تمیز بوده هیچ گونه اعتراضی از طرف مشارالیه بر آن نشده و اشکال قانونی که موجب نقض باشد بنظر نمیرسد باتفاق آراء مبرم است - و اما در قسمت وجه التزام نظر باینکه عده شریک مقرر بینهما نسبت بمقارنه کارهای بعدی عقد شرکت نیست بلکه تمهد محض است از هر یک از طرفین بدخالت دادن دیگر در صورت وقوع قرارداد در آینده و التزامی است بتأدیه وجهی در صورت تخلف از آن و نظر باینکه وقوع تمهد مزبور مورد اعتراف مدعی علیه و مسلم بین طرفین بوده لذا حکم محکمه بیحقی مدعی باستناد اینکه (التزام بتأدیه صدی ۱۵ از موضوع قرارداد هائی که بعداً با وزارت منقذ میشود متفرع بر تحقق شرکت طرفین است در قراردادهای مزبور چون شرکت مذکوره مثبت نرسیده ورقه بی اعتبار و نمیتوان حکم بتأدیه وجه التزام دارد) صحیح نیست و بنا بر این حکم مورد استدعاء در این قسمت بموجب ماده ۴۴ قانون آزمایش باتفاق نقض میشود. ۵۰۰

تصمیم دیوان عالی تمیز بر رد عرضحال

در مورد اختلاف در صلاحیت که محکمه استیناف مرجع را تشخیص و تعیین کرده باشد

عرضحال با اینکه مدعی معترض در لایحه بمدی خود فقط همان ده هزار ریال را متعلق حق خود دانسته موجب ازدیاد مدعی به اصلی از نصاب محکمه محقق ثبت و مستلزم صلاحیت از آن محکمه با در نظر گرفتن مفاد ماده ۲۱ قانون مزبور تشخیص نمیگردد بنا بر این محکمه محقق ثبت صالح برای رسیدگی به عرضحال مزبور است (محکوم علیه تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۴) در حکم شماره ۱۹۴۵ و ۱۳۹۳۴ بتاريخ ۲۰ و ۱۶ ر ۸۲۰ چنین رأی داده است :

(نظر باینکه رأی محکمه استیناف بنفی بر رفع اختلاف مابین محقق ثبت و محکمه بدایت و تشخیص صلاحیت محقق ثبت حکم یاقراری نیست که قابل استدعای تمیز باشد لذا عرضحال تمیزی با اتفاق آراء مردود است)

بموجب ماده ۱۶ اصول محاکمات حقوقی - حل اختلاف میان محکمه صالح و محکمه ابتدائی که در یک حوزه هستند با محکمه استیناف آن حوزه است . کسی بتواند اعتراض بر ثبت در محکمه محقق ثبت اقامه دعوی کرده - مدعی علیه قیمت مدعی به را خارج از نصاب محقق ثبت دانسته و در نتیجه محقق ثبت بدعاظ اینک خسارت هم مطالبه شده و مدعی به بیش از ده هزار ریال خواهد بود قرار عدم صلاحیت خود را داده و پرونده به محکمه بدایت احواله شده محکمه بدایت رأی صلاحیت محقق ثبت داده و بر اثر اختلاف پرونده به محکمه استیناف ارجاع شده - محکمه مزبور پس از رسیدگی چنین رأی داده (مدعی به عرضحال تسلیم شده به محکمه محقق ثبت ده هزار ریال است و طبق ماده ۲۰ قانون آزمایش همین قیمت مؤثر در صلاحیت مقرر شده - عبارت با مطالبه خسارت وارده ، مذکوره در پایان

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد شمول قرار اناطه بمال منتول

رأی داده است :
(عموماً قانونی راجع به صلاحیت محاکم و دوا امر جزائی و این اصل مسلم که اذن در شیمی اذن در لوازم آنست و مواد عدیده قانون راجع باینکه اظهارات شاکه و مدافعات متهم باید استماع شود اقتضا دارد که قاضی که راجع بجرمی تحقیق یا رسیدگی میکند بتواند در مباحث و مقدمات آن نیز با جزئی و رسیدگی کند و اظهار نظر نماید مگر مقدمه که قانون از نظر اهمیت خاصی که دارد یا بجهت دیگری صریحاً استثناء کرده و دستور اناطه کردن تعقیب جزائی بحال اختلاف در مقامات دیگر داده

از طرف جناب آقای مدعی العموم کل با استناد ماده ۴۶۴ اصلاحی اصول محاکمات جزائی در موضوع صدور دو حکم متباین از دو شعبه محکمه استیناف مرکز راجع بقرار اناطه که یکی مخصوص بغير منقول دانسته و دیگری تصمیم در منقول و غیر منقول داده تقاضای نقض بدون ارجاع نسبت بحکم دومی محکمه استیناف که دایر بر تهیم مورد بوده از لحاظ اینکه اناطه در مال منقول بی مورد و برخلاف دانسته اند شده .

دیوان عالی تمیز شعبه (۵) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۰۰۰ و ۱۹۳۳۴ بتاريخ ۲۶ و ۱۶ ر ۸۲۰ چنین

چنانکه در ماده ۱۷ قانون اصول محاکمات جزائی تکلیف اینگونه مقدمات تعیین شده است و چون مالکیت که در این ماده ذکر شده مثل سایر مشتقات آن از قبیل ملک و ملاک و املاک و غیره ظهور عرفی در مالکیت مال غیر منقول دارد و حمل بر معنی لغوی و سرائت دادن آن بکلیه اموال اعم از منقول و غیر منقول علاوه بر آنکه فاقد مصاحبت

و موجب بطوع جریان در قسمت بزرگی از امور جزائی میشود متکی بدلیل یا قرینه نیست ایراد مدعی العموم کل بر حکم شعبه پنج استیناف مرکز شماره ۰۰۰ وارد است و حکم مزبور با استناد بماده ۶۶۴ و ۴۵۸ قانون اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض بلا ارجاع میشود و این نقض برای هیچیک از اطراف دعوی مؤثر نیست و غرض از آن فقط محافظت قانون است.

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد افساخ وکالت وکیل غیر قابل عزل از طرف

محکمه استیناف با استناد ندادن حساب

بموجب ماده ۶۶۸ قانون مدنی - وکیل باید حساب مدت وکالت خود را بموکل بدهد و آنچه را که بجای او در مدت وکالت دریافت کرده باو رد کند.

بموجب ماده ۶۷۹ قانون نام برده - موکل میتواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند مگر آنکه وکالت وکیل یا عدم عزل او در ضمن عقد لازمی مشروط شده باشد.

کسی با استناد حکم تولیت خود بر متصدی موقوفه بعنوان آنکه عواید آنرا برده اقامه دعوی و درخواست تخلیه ید کرده مدعی علیه وکالت نامه غیر قابل عزل از طرف مدعی بمدت پانزده سال که در تاریخ دعوی هنوز مدت نگذشته بوده ارائه داده حاکی از آنکه وکیل مزبور در مدت ۱۵ سال عواید املاک موقوفه را ضبط و بمصارف معینه در وقفنامه برساند و حق عزل او را در آن مدت در ضمن عقد لازمی اسقاط کرده است محکمه به استناد وکالت نامه مزبور و عدم تکذیب از طرف مدعی و عدم انقضای مدت مدعی را محکوم ببطالان دعوی کرده و در قسمت خواستن حساب با استناد ماده ۶۶۸ قانون مدنی بر فرض که وکیل مکلف بدادن حساب در هر سال باشد (در صورتیکه ماده مزبور تصریحی باین معنی ندارد) عدم اقدام وکیل بانجام وظیفه و مسامحه در اداء تکلیف مستلزم عزل و منع او از مداخله در امری که باو وکالت

غیر قابل عزل داده طبق ماده ۶۷۹ قانون مدنی نخواهد بود.

محکوم علیه استیناف داده محکمه استیناف حکم بدوی را تأیید کرده و بواسطه نقض از طرف دیوان عالی تمیز و ارجاع به محکمه استیناف محکمه محکوم له بدوی را محکوم به رفع ید از ملک نموده محکوم علیه بر حکم مزبور اعتراض کرده محکمه استیناف مجدداً پس از رسیدگی با اعتراض چنین رأی داده

راجع با اعتراض بر حکم غیابی چون خلاصه استدلال محکمه بر لزوم رفع ید معترض که دخالت او در رقبات موقوفه بعنوان وکالت متوالی بوده تحقق با استنکاف از دادن صورت حساب سنوات دخالت و تصرف خود در رقبات موقوفه است که بدلائل مذکوره در حکم غیابی محکمه معترض را باواگذار شدن وکالت غیر قابل عزل از طرف (موکل) بمشارالیه نیز ملزم بدادن صورت حساب دانسته و بواسطه تحقیق امتناع او از دادن صورت حساب بموکل خود او را محکوم برفع ید از رقبات کرده و نظر باینکه عمده اعتراض وکیل معترض بر حکم غیابی مذکور آنست که موکل او بر حسب مقررات وزارت اوقاف و باجازه موکل ضمن قرارداد وکالتی صورت حساب موقوفه و اسناد عایدی و مخارج رقبات وقفی را با اداره اوقاف داده است و تقریباً نامه از اداره مزبوره گرفته و الزام بدادن صورت

محکوم علیه تمیز داده - دیوان عالی تمیز شعبه (۱) در حکم شماره ۱۹۵۰ ۱۳۴۰۵ بتاريخ ۲۹ ر ۸ ر ۱۶ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

(چون لزوم و کالت مستدعی تمیز بجهت قید آن در ضمن عقد لازم در نظر محکمه محقق بوده محض استنکاف از دادن صورت حساب بمتولی مادامیکه خیانت و کیل از حیث نرساندن عواید موقوفه بمصارف معینه و سایر وظائف مقررہ برای متولیکه انجام آنها حسب الو کاله بشارالیه واگذار شده مجرز نشود موجب عزل و کیل مزبور نمیگردد تا حکم بتخلیه و رفع ید او مورد پیدا کند و چون محکمه برای تشخیص حقیقت امر و روشن شدن قضیه اخذ توضیحات و رسیدگی بمحاسبه را لازم دانسته واحتمال داده که در اثر آن بکلی رفع اختلاف شود معلوم است که هنوز در نظر محکمه خیانت مستدعی در انجام وظایف و کالت مجرز نبوده است بنا بر مراتب حکم مورد استدعا بر رفع ید مستدعی و انفساخ و کالت او قبل از ثبوت خیانت موجه نیست و باتفاق نقض می شود .)

حساب علیحده بموکل نداشته و باینحال هم حاضر است از روی همان اوراق و اسنادیکه بداره اوقاف داده و تفریغ نامه دریافت داشته بموکل هم حساب بدهد و این اعتراض وارد نیست زیرا علاوه براینکه حتی بر حسب مستفاد از ورقه ر فوشت ورقه تفریغ نامه که رونوشت مزبور را خود و کیل باین محکمه تقدیم داشته است معلوم است اخیراً آنهم نسبت به بعضی از رقبات و بعضی از سنوات صورت حساب ناقص بداره اوقاف داده است بافرض اینکه صورت حساب مذکور کامل تصور شود چون اولاً راجع بتمام رقبات وقفی و تمام مدت دخالت معترض نمیشد و ثانیاً دادن صورت حساب بداره اوقاف مستغنی از دادن صورت حساب بمتولی موقوفات و موکل معترض نبوده است لذا استنکاف معترض از دادن صورت حساب کامل مدت تصدی و دخالت خود در رقبات موقوفه مجرز است و در هر حال بر حکم غیابی مبنی بر لزوم رفع ید معترض از رقبات اشکالی وارد نیست و حکم مزبور تأیید میشود -)

تصمیم دیوان عالی تمیز بر ابرام

راجع بصدر قرار اسقاط دعوی در مورد عدم تقدیم عرضحال اعتراض بر ثبت باداره ثبت

(مطابق صریح ماده ۱۶ قانون ثبت اسناد و املاک عرضحال اعتراض نسبت بملك مورد ثبت از تاریخ نشر اولین اعلان نوبتی تا مدت نود روز مستقیماً بداره یا شعبه ثبتی باید داده شود که در ضمن اعلان نوبتی تعیین شده و بالجمله مرجع تقدیم عرضحال اعتراضی بر ثبت تقاضای ملك مقامات مرقومه در ماده ۱۶ فواید الاثمار میباشد نه محکمه که مالا با اعتراض رسیدگی مینماید بنا براین عرضحال مستأنفان بعنوان اعتراض بر ثبت مستأنف نلیهم بدفتر محکمه ابتدائی تقدیم گردیده قابل قبول نیست و باین ملاحظه قرار مستأنف عنه دایر بر رد عرضحال مشارالیه صحیح بوده و تأیید میشود - محکوم علیه تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۱) در حکم شماره ۱۲۳۵۳ ر ۱۹۴۶

بموجب ماده ۱۶ قانون ثبت اسناد - (. . . عرضحال اعتراض بر ثبت ملك مستقیماً بداره ثبت که در اعلان نوبتی معین شده تسلیم میشود و در صورتیکه در مدت قانونی داده شده باشد اداره ثبت آنرا نزد محقق ثبت یا دفتر محکمه صالحه میفرستد .)

دو نفر بعنوان اعتراض بر تقاضای ثبت ملكی بر مستدعیان ثبت در محکمه ابتدائی مستقیماً اقامه دعوی کرده - محکمه از لحاظ اینکه مطابق ماده ۱۶ قانون ثبت عرضحال باید مستقیماً بداره ثبت داده شود و بغیر مرجع صلاحیت دار داده شده دعوی اعتراض را ساقط و قرار سقوط آنرا میدهد محکوم علیهما استیناف داده - محکمه استیناف پس از رسیدگی چنین رأی داده

بتاریخ ۱۶۸۲۷ چنین رأی داده است :
 (بر تشخیص و تطبیق محکمه ایرادی موجهاً وارد
 نیست و بنابراین قرار ممیز عنه بموجب ماده ۳۳۹ قانون
 آزمایش ابرام میگردد .)

تصمیم دیوان عالی تمیز

راجع بصلاحیت در مورد متهم بدو جرم که یکی در صلاحیت

محاكم عدلیه و دیگری در صلاحیت محاکم نظامی است

دیوان عالی تمیز پس از رسیدگی در حکم شماره
 ۱۰۲۲۵ از ۱۷۲۹ بتاریخ ۱۶۸۳ چنین رأی داده است :
 (طبق قانون خرداد ۳۱۰ محاکمه متهمین بسرقت
 در طرق و شوارع با دیوان حرب است و طبق ماده ۶۰
 قانون محاکمات نظامی در صورتیکه شخص در آن واحد
 بانتهام دو جرم مورد تعقیب واقع شود که رسیدگی بیکی از
 آنها در حدود صلاحیت محاکم نظامی و دیگری در حدود
 صلاحیت محاکم عدلیه باشد متهم بدو بمحکمه صلاحیت
 رسیدگی بهمترین جرم را دارد جلب میشود و بعد از آن
 لدی الاقتضاء برای جرم دیگر بمحکمه صالحه فرستاده
 میشود پس درین مورد که يك اتهام قتل و دیگری سرقت در
 طرق و شوارع است میبایست راجع به قتل و اتهامات
 دیگری که در صلاحیت محاکم عمومی است بدو در محکمه
 صالحه رسیدگی شده بعد از آن لدی الاقتضاء راجع بر اهزنی و
 اتهام دیگری که در صلاحیت دیوان حرب است در دیوان حرب
 رسیدگی بعمل آید بنا برین نظر محکمه استیناف مبنی بر صلاحیت
 محاکم عدلیه نسبت بکلیه جرائم انتسابی بمشارالیه باستناد
 ماده ۱۹۷ قانون اصول محاکمات جزائی صحیح نبوده
 و ماده مزبوره باتصریحی که در ماده ۶۰ قانون محاکمات
 نظامی شده باید بموارد دیگر تخصیص داده شود و نظریه
 مستنطق دیوان حرب مبنی بر صلاحیت دیوان مزبور در
 رسیدگی بانتهام متهم بسرقت در طرق و شوارع و عدم
 صلاحیت محاکم عمومی بشرح سابق الاشعار صحیح بوده
 و تأیید میشود .)

بموجب ماده ۱۷۹ اصول محاکمات جزائی -
 هرگاه کسی متهم بچند جرم از درجات مختلف باشد در
 محکمه محاکمه میشود که صلاحیت رسیدگی بهمترین
 جرم را دارد .

بموجب ماده ۶۰ قانون محاکمات نظامی مصوب
 ۳۰۷ - هر کس در آن واحد بانتهام دو جرم مورد تعقیب
 واقع شود که رسیدگی بیکی از آنها در صلاحیت محاکم
 نظامی و دیگری در صلاحیت محاکم عدلیه باشد متهم
 بدو بمحکمه که صلاحیت رسیدگی بهمترین جرم را
 دارد جلب میگردد و بعد از آن برای جرم دیگر در صورت
 اقتضاء بمحکمه صالحه فرستاده میشود .

در موضوع اتهام کسی به قتل و سرقت در طرق و
 شوارع میان مدعی العموم و مستنطق اختلاف نظر حاصل
 و قرار عدم صلاحیت محاکم عدلیه باستناد صلاحیت دیوان
 حرب از جهت سرقت صادر میشود و بر اثر مخالفت مدعی
 العموم محکمه استیناف رسیدگی کرده و باستناد ماده
 ۱۷۹ قرار مستنطق را فسخ و رسیدگی را از صلاحیت محاکم
 عمومی دانسته است .

و مستنطق دیوان حرب در مورد عده دیگر از
 متهمین بسرقت در طرق و شوارع که فرادی بوده اند قرار
 صادر کرده و در طی آن راجع به متهم مزبور هم که جزء
 آنها رسیدگی شده بوده قرار صلاحیت دیوان حرب را
 برای رسیدگی میدهد - بر اثر صدور این قرار پرونده
 برای رفع اختلاف بدیوان عالی تمیز ارجاع و شمه (۵)

تصمیم دیوان عالی تمیز بر رد عرضحال در مورد اختلاف در صلاحیت میان مدعی العموم و مستنطق

مستنطق مبنی بر صلاحیت دیوان جزا را تایید کرده است مدعی العموم استیناف از قرار مزبور تمیز خواسته - شبهه (۵) دیوان عالی تمیز پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۷۳۱۷۹۳۱ در تاریخ ۱۶.۸.۳۳ چنین رأی داده است:

(بر حسب مستفاد از مواد راجحه بشکایت از قرارهای مستنطق و مستنطق از ماده ۱۷۵ قانون اصول محاکمات جزائی قرارهایی که از محاکم استیناف صادر میشود در اینگونه موارد قطعی و قابل اجرا بوده و غیرقابل شکایت تمیزی است بناء علیه. برطبق ماده ۴۵۴ آن قانون عرضحال مدعی عمومی استیناف با اتفاق آراء رد میشود.)

بموجب ماده ۱۷۵ اصول محاکمات جزائی - در مورد اعتراض مدعی خصوصی یا متهم یا مدعی العموم بر قرار مستنطق محکمه استیناف در جلسه اداری رسیدگی کرده قرار لازم داده و پس از اطلاع بشاکت فوراً مجری میدارد. يك نفر مستنطق در موضوع اتهام مامور وصول عوارض شهرداری بارتکاب ضرب و اتهام مضروب بارتکاب توهین بمتهم اول حین انجام وظیفه رسیدگی به قضیه را از صلاحیت دیوان جزا دانسته و مدعی العموم از صلاحیت محاکم عمومی دانسته - برای رفع اختلاف پرونده بمحکمه استیناف ارجاع و محکمه مزبور قرار

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در دعوی بر مرده در مورد محکومیت بعضی ورثه

نسبت به تمام بده مورث

تنظیم آن ورقه صرفاً يك معامله استقراضی بیش نبوده لهذا از این حیث حکم مستنطق منقضی میشود - و نظر باینکه از طرف مدعی شایهها در موعده مقرر تکذیبی نسبت بمستند دعوی بعمل نیامده بهلاوه تصدیق تلویحی به صدور ورقه مزبوره از ناحیه مورث خود نموده اند و ایراد رو نوشت وقف نامه از طرف وکیل مدعی علیهما نیز مؤید صحت تصدیق فوق الذکر و احراز صدور ورقه مستند دعوی از ناحیه مورث آنان بوده است و نظر باینکه مستفاد از ورقه مدرکیه فقط مدیونیت مورث معترضان بمبلغ ۰۰۰۰ بابت اصل بنحوان قرض الحسنه و تهمة مشارالیه برداخت ۰۰۰۰ بابت منافع آن در مدت یکسال بوده است و چون محتویات پرونده و رو نوشت وقفنامه ابرازی از طرف وکیل معترضان وجود ترکه مورث مشارالیهما را در ید آنان نیز محرز و مسلم میدارد بنا بر مراتب اظهار تکذیب از طرف وکیل معترضان نسبت بمستند مزبور و ایراد

کسی باستناد سند ذمه مشعر بر طلب مورث خود از مورث دونفر و حاکمی از رهن و وثیقه ملکی در برابر طلب مزبور بر آن دونفر اقامه دعوی کرده محکمه بدایت پس از رسیدگی به اظهارات وکیل مدعی علیهما و اینکه طبق وقفنامه این ملک پیش از رهن گذاشتن وقف بر اولاد شده حکم بمحکومیت آن دونفر به پرداخت اصل و خسارت داده که در صورت عدم پرداخت طبق ماده ۳۴ اصلاحی ثبت اسناد از اصل ملک موردرهن استیفاء طلب بشود - حکم مزبور در مرحله استینافی در قسمتی فسخ و در قسمتی تایید شده بدین شرح: (استناد محکمه بدوی بماده ۳۴ قانون ثبت اسناد و وثیقه قرار دادن ملک مرهونرا در قبایل محکوم به که بدون توجه به ورقه مدرکیه مدعیه و رسیدگی و احراز قصد معامله از طرف رهن بوده صحیح بنظر نمیرسد چه از ملاحظه ورقه مزبوره و تعبیراتی که در مورد مال الاجاره و وجه التزام شده بدست میاید که قصد طرفین از

وقفیت رقبه مورد و موقعیت قانونی نداشته فلذا مدعی علیه‌ها محکومند که مبلغ ۱۰۰ بابت وجه استقراضی و مبلغ ۱۰۰ بابت رجه نهد بالنسبه به سهم خود در حق مدعی کارسازی دارند) محکوم علیه‌ها از حکم مزبور تمیز داده - دیوان عالی تمیز شعبه (۴) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۳۴۴۲/۱۹۶۴ بتاريخ ۱۶/۸/۲۳ چنین رأی داده است. (علاوه بر اینکه استدلال محکمه بر عدم صحت ره و وثیقه بودن ملك باینکه (از ملاحظه ورقه مستند دعوی تبیین آتی که در مورد مال الاجاره و وجه التزام شده بدست میاید که قصد طرفین از تنظیم آن ورقه صرفاً يك معامله استقراضی بیش نبوده) صحیح نیست بجهت اینکه قصد استقراض و معامله قرضی منافاتی با ره قرار دادن ملك ندارد بلکه یکی از موارد ره و وثیقه دینی است که بواسطه

استقراض حاصل شده باشد - چون از پرونده قضیه معلوم میشود غیر از مدعی علیه‌ها وارث دیگری هم برای مدیون وجود داشته و محکمه سهم آن وارث را مورد توجه قرار نداده و دو نفر مذکور را نسبت بتمام دین مورث محکوم کرده است در صورتیکه دین میت مطابق ماده ۸۶۹ قانون مدنی بتمام تر که تعلق میگيرد و هر يك از ورثه نسبت بسهم خود طرف دعوی و مسئول اداء آن خواهند بود و بودن تر که در دست مدعی علیه‌ها بر فرض اینکه تمام تر در دست آنها باشد موجب محکومیت آنها نسبت بتمام دین نمیشود علیهذا حکم مورد شکایت تمیزی به موجب شق ۲ ماده ۳۴۰ اصول محاکمات اصلاحی نقض و تکمیل رسیدگی بشعبه دیگر محکمه استیفاء ارجاع میگردد -

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد رسیدگی بقرار صادر از ماور صلح در محکمه استیفاء

نشده و لذا عرضحال تمیزی مشارالیه بموجب ماده ۴۵۴ اصول مزبور بانفال آراء رد میشود لیکن چون از طرف پار که دیوان عالی تمیز طبق ماده ۴۶۴ اصول مزبور برای حفظ قانون نقض حکم استیفاءی تقاضا شده و نظر باینکه مطابق ماده ۷ قانون ماورین صلح مصوب تیر و مرداد ۳۰۹ مرجع شکایت استیفاءی از قرارهای ماورین مزبور که در موارد معینه در آن قانون بسمت مستنطقی اظهار عقیده مینمایند محکمه بدایتی است که ماور صلح متصدی تحقیقات مقدماتی در حوزه آن ماوریت دارد لذا در اینمورد که موضوع شکایت استیفاءی قرار ماور صلح بوده محکمه دیوان جزای عمال دولت (قائم مقام محکمه استیفاء) برای رسیدگی بشکایت مزبور صلاحیت نداشته و بالتیجه قبول عرضحال و رسیدگی و حکم استیفاءی دائر به تأیید قرار مستأنف عنه مخالف ماده مزبور محسوب وبموجب ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض او طبق شق ۵ ماده ۴۵۸ اصول مزبور این نقض بلاارجاع است)

بموجب ماده (۷) قانون ماورین صلح مصوب ۳۰۹ - مرجع رسیدگی استیفاءی بقرار های ماور صلح و رفع اختلاف میان مدعی العموم و ماور صلح محکمه بدایتی است که ماور صلح در حوزه آن ماوریت دارد . چند نفر با اتهام هجوم بخانه کسی و بردن مقداری از اموال او مورد تعقیب نزد نایب الحکومه که ماور صلح بوده واقع و باموافقت پار که بدایت قرار منع تعقیب متهمان را میدهد - شاکی خصوصی استیفاء خواسته - محکمه استیفاء قرار مورد استیفاء را از لحاظ مقرون نبودن شکایت شاکی بدلیل تأیید کرده - محکوم علیه تمیز داده - دیوان عالی تمیز شعبه (۲) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۰۹۴۵/۱۷۵۱ مورخ ۱۶/۸/۱۶ چنین رأی داده است : (هر چند درخواست تمیز از طرف مدعی خصوصی در اینمورد پذیرفته نیست زیرا طبق مستفاد ماده ۱۸۰ قانون اصول محاکمات جزائی حکم استیفاءی دائر بتأیید قرار مستنطق بملت فقد دلیل کافی اساساً قابل تمیز شناخته

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض راجع برسیدگی ماهوی محکمه استیناف در مورد قرار اناطه صادر از محکمه جنجه که از آن استیناف خواسته‌اند

بموجب ماده ۳۴۳ قانون اصول محاکمات جزائی -
عده مبنی از قرارهای محکمه جنجه قابل استیناف است
و در میان آنها قرار اناطه نیست - و چون در قانون استیناف
از قرار اناطه (خواه صادر از مستنطق و خواه از محکمه
جنجه) ذکر نشده بنابراین قرار اناطه ظاهر آقابل استیناف
نخواهد بود - چه اصولاً استیناف و تمیز داشتن قرار و حکم
تصریح قانونی لازم دارد -

راجع باین موضوع - کسی که با اتهام معرفی کردن
قالیچه دیگری بعنوان مال خود در مقابل بدهی باجرا
ثبت تحت تعقیب واقع شده محکمه جنجه بعنوان آنکه
مدعی خصوصی سبق مالکیت متهم را نسبت بقالیچه اعتراف
کرده و مدعی است که قالیچه‌ها را از او خرید و تشخیص
این معنی با محکمه حقوق است قرار اناطه صادر کرده -
مدعی العموم بدایت از قرار مزبور استیناف خواسته -
محکمه استیناف پس از رسیدگی با استفاده اینکه خود

محکمه جنجه روی ادله موجود در پرونده میتواند
حکومت کند و اصدار قرار اناطه مورد نداشته قرار مزبور
را فسخ و پرونده را برای ادامه رسیدگی بمحکمه جنجه
فرستاده است - مدعی العموم استیناف از قرار مزبور تمیز
خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۵) در حکم
شماره ۹۷۳۹ ر ۱۷۷۰ مورخ ۱۳۱۶.۸.۶ چنین رأی
داده است :

(قرار صادر از محکمه جنجه مبنی بر توقیف
تعقیب امر جزائی بحمل قضیه مالکیت قالیچه در محکمه
حقوق که شاکه خصوصی خریداری آنها را از متهم مدعی
شده منطبق باهیچیک از عناوین مذکوره در ماده ۳۴۳
قانون اصول محاکمات جزائی نبوده تا قابل رسیدگی
استینافی باشد علیهذا اعتراض مدعی العموم بحکم ممیز عنه
وارد و حکم مزبور با استفاده بماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات
جزائی باتفاق آراء نقض میشود (۵۰۰۰))

تصمیم دیوان عالی تمیز بر ابرام

راجع باختلاف موجر و مستاجر در مورد تعلق مالیات صدی سه
به مستاجر هر چند که پرداخت مالیات ارضی بمهده موجر بوده

دو نفر مستأجر بعنوان آنکه طبق شرط در اجاره نامه
مالیات ملک بمهده موجر بوده و پس از الغاء مالیات ارضی
مالیات صدی سه جای آن گرفته و پرداخت آن بمهده
موجر است و باید آنچه آنها پرداخته‌اند بابت مال الاجاره
حساب شود و موجر آنرا نپذیرفته - از پرداخت مال -
الاجاره خود داری کرده‌اند - و چون طبق بخش نامه اداره
ثبت در این نوع اختلافها و رقمه اجرائیه صادر نمیشود موجر
بمحکمه متظالم شده و مطالبه چند قسط مال الاجاره عقب
افتاده را کرده - محکمه بدایت پس از رسیدگی و شنیدن
دفاع مدعی علیه مباشر حیکه ذکر شد آنها را به پرداخت

اقساط مال الاجاره در حق مدعی محکوم کرده است -
محکوم علیه‌ها از حکم مزبور استیناف خواسته محکمه
استیناف پس از رسیدگی چنین رأی داده
(مقنن در وضع قانون آذر ۱۳۱۳ نظری به‌وارد
نمودن نفع یا ضرر بموجرین یا مستأجرین نداشته بلکه
خواسته بمنظور مصلحت عموم و تسهیل طریق وصول
عوائد دولت مالیاتی را که سابقاً بطور مستقیم از مالکین
اراضی مزروعی اخذ میشده حذف و الغاء کرده و مالیات
دیگری بنام عوارض صدی سه از مالکین محصول اعم
از مالک ملک یا مستأجر یا شخص دیگر موقع وارد نمودن

عالی تمیز شعبه (۱) در حکم شماره ۱۴۲۳۶/۱۷۴۵ مورخ ۱۶-۸-۶۶ پس از رسیدگی چنین رای داده است:

(محصل اعتراضات مستدعیان تمیز این است که چون مالیات دیوانی املاک مستأجره بر عهده موجر بوده از وجه اجاره سال اخیر باید معادل صدی سه محصول آن سال موضوع گردد و چون این اعتراض دفاعاً در مرحله بدایت و استیناف ذکر و محکمه استیناف موجها در حکم خود آن را رد کرده است و در رسیدگی و نظار به محکمه منقضت مهم و اشکالی بنظر نمی رسد لذا حکم مورد شکایت تمیزی باتفاق مبرم است.

جنس بشهرها و قسبات یا موقع صادر نمودن از کشور اخذ نماید و کلمه (بجای) مرقوم در قانون مزبور در مقام بیان طریقه حیران ضرر دولت بعد از الفاء مالیات ارضی میباشد نه آنچه مطلوب مستأفان است بیا اینحال استناد و گیل مستأفان بیک عده قبوض صدی سه و بار نامه های خط آهن و تقاضاهای رسیدگی نسبت بانها از لحاظ عدم تاثیر بمرور است بخشنامه اشعاری فوق هم مانع اقامه دعوی از طرف مستأفان علیه در محکمه چنانکه در حکم مستأنف عنه ذکر شده بوده است بنا بر مراتب حکم مزبور نتیجه اشکالی نداشته و تأیید میشود)

محکوم علیهها از حکم مزبور تمیز خواسته دیوان

رای دیوان عالی تمیز برابر ام

در مورد رسیدگی و تأیید قرار رد عرضحال اعاده محاکمه استیناف تمیزی

نظر باینکه حکم محکمه ابتدائی در دعوی اصلی بعنوان استیناف از حکم صالحیه بوده و طبق ماده ۱۵ قانون تسریع محاکمات قرار رد عرضحال اعاده محاکمه صادر از آن محکمه قابل استیناف نبوده است بلکه میبایستی در موقع قانونی استدعای رسیدگی تمیزی کرده باشد بنابراین هر چند که مرجع تمیزی احکام صالحیه هم محکمه استیناف است لیکن با ملاحظه عرضحال مستأنفین که بعنوان استیناف از حکم بدایت تقدیم و تقاضای رسیدگی استینافی شده است رسیدگی بقرار محکمه ابتدائی استینافاً در این مورد موافقت با قانون نداشته و از این جهت قرار رد عرضحال استینافی مشارالیه صادر و اعلام میشود محکوم علیه تمیز خواسته

دیوان عالی تمیز شعبه (۳) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۴۲۰۷-۱۴۹۳ مورخ ۱۶-۸-۹۶ چنین رای داده است:

(چون موافق شرحیکه در قرار مورد شکایت درج گردیده تقدیم عرضحال استینافی نسبت بقرار یکم در خواست استیناف از آن شده است مورد قانونی نداشته و برقرار مورد استدعای تمیز اشکال قانونی متوجه نیست لذا قرار مزبور باتفاق آراء مبرم است)

حکمی از محکمه بدایت بعنوان استیناف از حکم صالحیه بر بیحقی معترض ثبت صادر میشود پس از قطعی شدن حکم محکوم علیه بعنوان اعاده محاکمه عرضحال بمحکمه بدایت که مرجع استینافی حکم بدوی بوده تقدیم می کند.

محکمه مزبور از لحاظ آنکه شرط جواز اعاده محاکمه طبق ماده ۵۳۲ اصول محاکمات حقوقی محقق و موجود نبوده قرار رد عرضحال اعاده محاکمه را میدهد - محکوم علیه از قرار مزبور عرضحال بمحکمه استیناف داده - محکمه مزبور قرار صادر از محکمه بدایت را تأیید کرده و بر اثر اعتراض تمیزی دیوان عالی تمیز شعبه (۳) بملحوظ اینکه محاکمه اصلی که در محکمه بدایت جریان داشته استیناف از حکمی بوده که از صالحیه صادر شده بوده و استدعای اعاده محاکمه بطوریکه در عرضحال اشعار شده بجهت تأیید حکم صالحیه در مرحله استینافی امر بوده و مطابق ماده ۱۵ قانون تسریع (راجع به تمیز استینافی) قابل تمیز خواهد بود رسیدگی محکمه استیناف را بعنوان استیناف از قرار مزبور قانونی نداشته و نقض کرده است و محکمه استیناف پس از رسیدگی چنین رای داده است: